

کتاب مقدس برای کودکان تقدیم می کند

عیسی دریای طوفانی را آرام می کند



وقتی طوفان بزرگی
رخ داد، عیسی و
شاگردانش در یک
قایق بودند. دریای
جلیل طوفانی شد.
این نوع طوفان
می توانست باعث
درهم شکستن
کشتی و غرق شدن
آن شود.

نویسنده: Edward Hughes

طراحی تصاویر: Janie Forest
Alastair Paterson

بازگویی از: Ruth Klassen

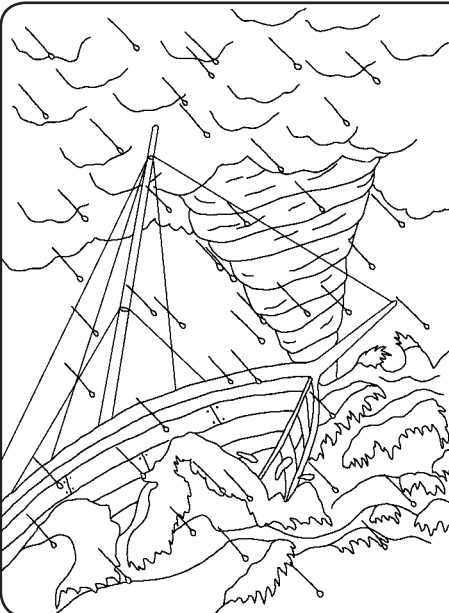
ترجمه شده توسط: آرمین باقری

ناشر: Bible for Children

www.M1914.org

©2021 Bible for Children, Inc.

حق چاپ: شما اجازه دارید که این داستانها را کپی و یا چاپ
نمایید به شرط آن که رایگان توزیع شود.



عیسی از شاگردان خود پرسید: "چرا می ترسید، ای کم ایمانان؟" سپس عیسی به باد دستور داد که وزیدن را متوقف کند، و سپس دستور داد که امواج آرام گیرند.

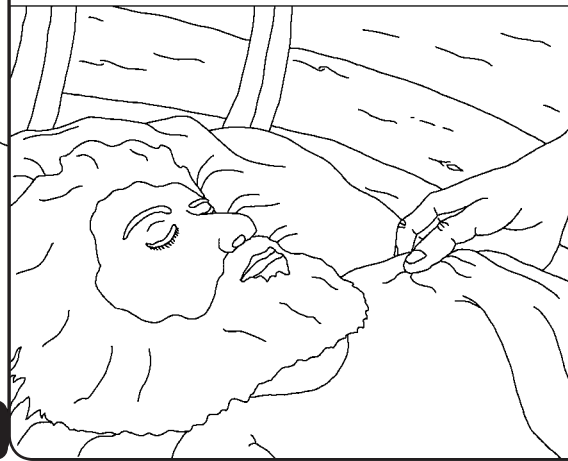


4

طوفان شاگردان را به وحشت انداخت. امواج بلند به قایق می خورد و آب را به درون قایق می ریخت. اما عیسی در آن طوفان در

قایق خواب بود. شاگردان عیسی را بیدار کردند و گریه کنان گفتند: "استاد، استاد، ما در حال مردن هستیم."

3



مدتی بعد، عیسی یک روز شلوغ دیگر داشت. بیش از پنج هزار نفر به دنبال او می رفتند تا اینکه به یک مکان دور افتاده رسیدند. با قدرت خدا، عیسی با استفاده از ناهار یک پسر کوچک،

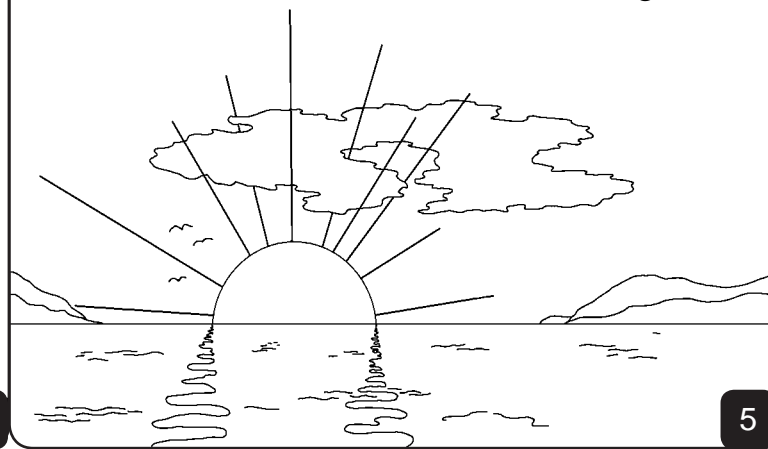
تمام آن جمعیت را غذا داد. حالا عصر بود.

عیسی همه را فرستاد تا به خانه هایشان بروند.



6

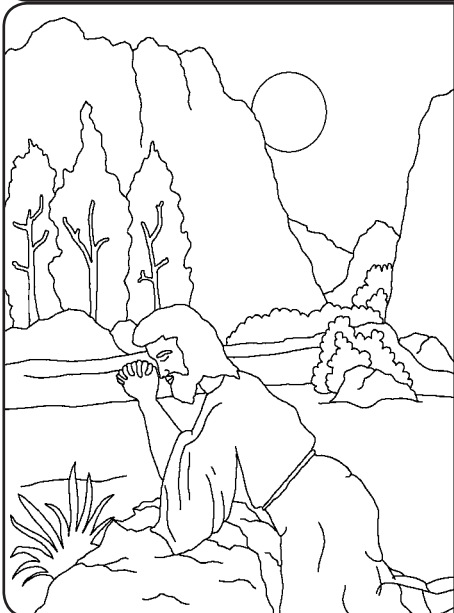
و بادها و امواج آرام گرفتند. شاگردان شگفت زده شدند و گفتند: "او چه کسی است که حتی باد و دریا هم از او فرمان می برند؟"



5

حتی شاگردان هم باید می رفتند. عیسی به آنها دستور داد تا سوار قایق شوند و به آن طرف دریای جلیل بروند.

وقتی همه رفتند، عیسی به بالای کوه رفت تا در آنجا دعا کند. زمانی که غروب فرا رسید او در آنجا تنها بود.



8



7



حتی اگر ساعت ها پارو
می زدند نمی توانستند
به جلو حرکت
کنند. شاگردان
نمی دانستند،
ولی آنها
قرار بود
غافلگیر
شوند.

10



در میان دریاچه
شاگردان گرفتار
باد شدید شدند.
طوفان و باد مخالف
جهت مانع از
حرکت قایق
شده بود.

9

عیسی به آنان گفت:
"خوشحال باشید. این من
هستم، نترسید." پطرس
جواب داد: "ای سرورم،
اگر واقعا شما هستید،
دستور بدهید من هم روی
آب راه بروم و پیش شما
بیایم." عیسی فرمود:
"بیا." پطرس با شجاعت از
قایق پیاده شد و روی آب
به سمت عیسی قدم
برداشت.



12

بین ساعت ۳ و ۶ صبح
آنها در میان دریا
چیزی را دیدند که به
سمت آنها می آید.
آنها گریه کنان می
گفتند: "آیا این یک
شیخ است؟" اما او
عیسی بود، همان
خداوند و استاد آنها که
روی دریا راه می رفت.

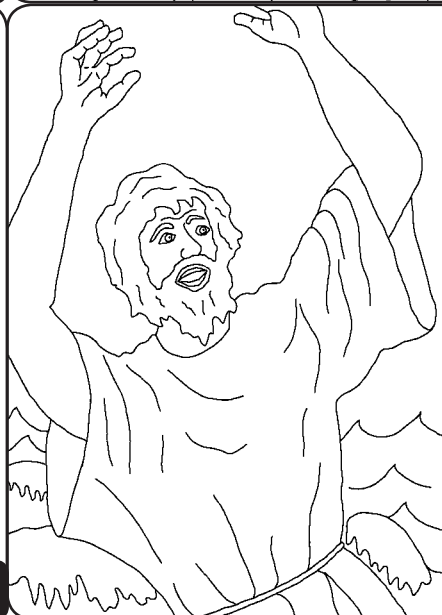
11

بلافاصله عیسی دست خود را دراز کرد و او
را از آب بیرون کشید. عیسی به او گفت:
"ای کم ایمان چرا شک کردی؟" و زمانی که
آن دو به درون قایق رفتند دریا آرام گرفت.



14

اما زمانی که موج
های بلند را دید
ترسید و شروع کرد
به فرو رفتن در
آب. او گریه کنان
می گفت: "سرورم
نجاتم بده!"



13

عیسی دریای طوفانی را آرام می کند
داستانی از کلام خدا، یعنی کتاب مقدس

بر اساس

متی ۸، متی ۱۴، مرقس ۴، لوقا ۸

"کشف کلام تو نور می بخشد."
مزمور ۱۱۹: ۱۳۰



سپس کسانی که در آن
قایق بودند، آمدند و
عیسی را پرستش کردند
و گفتند: "به راستی شما
پسر خدا هستید."

16

15

داستانهای کتاب مقدس با ما در باره خدایی صحبت می کنند که ما را
آفرید و اراده او این است که شما نیز او را بشناسید.

خدا می داند که ما کارهای بدی انجام داده ایم کارهایی که او آنها را گناه می خواند.
مجازات گناه مرگ است، اما خدا جهانیان را آن قدر محبت نمود که پسر یگانه
خود را فرستاد تا بر روی صلیب به خاطر بخشش گناهان ما بمیرد. عیسی مسیح
پس از مرگ دوباره زنده شد و به آسمان بالا رفت. اگر تو به عیسی ایمان بیاوری
و از او بخواهی که گناهان تو را ببامرزد، او تو را خواهد بخشید و وارد قلب تو
خواهد شد و تو برای همیشه با او زندگی خواهی کرد.

اگر به این حقیقت ایمان داری، از صمیم قلب این دعا را بکن: عیسای عزیز من
ایمان دارم که تو خدا هستی، و به صورت انسان به زمین آمدی تا برای گناهان
من بمیری، و اکنون زنده هستی. خواهش می کنم که وارد زندگی من بشوی و
گناهان مرا ببخشی تا بتوانم زندگی تازه ای داشته باشم و برای همیشه با تو
زندگی کنم. کمک کن تا به عنوان فرزند تو بتوانم تو را اطاعت کنم و برای تو
زندگی کنم. آمین.

کتاب مقدس را هر روز بخوان و همیشه دعا کن! انجیل یوحنا ۱۶:۳

18

48



60

17

پایان